



گرامیداشت‌ها را برای سازندگی به کار بگیرید

روز دانشجو را به برگزاری چند همایش فرو نگاهیم



دکتر مهتاب علی‌نژاد
جامعه‌شناس

در تقویم‌ها برای گرامیداشت برخی مناسبت‌ها روزهای مشخصی تعیین شده است. اصل موضوع نام‌گذاری در تقویم برای گرامیداشت اندیشیدن و در باقی ماندن آن رویداد در خاطره جمعی است. روزها و رویدادها از طریق یادآوری‌های سالشمار در خاطره همه افراد جامعه باقی می‌مانند. به همین دلیل به حفظ انسجام اجتماعی و یادآوری هویت و فرهنگ جامعه کمک بسیاری می‌کنند. باین حال، چگونه می‌شود که در گذر زمان اصل اندیشه‌ورزیدن و توجه‌دادن به دست‌فراموشی سپرده می‌شود یا جامعه از یاد می‌برد که نام‌گذاری برای گرامیداشت است، نه عرض تبریک. در گرامیداشت ویژگی مهمی وجود دارد که در تبریک گفتن وجود ندارد. گرامیداشت هم نام را زنده نگه می‌دارد و هم چرایی و چگونگی آنچه گذشته است و آنچه باید حفظ شود را به خاطر می‌آورد. روز دانشجو از همین روزهاست که می‌توان به ابعاد مختلف آن اشاره کرد.

نیاز به تفکر را به برگزاری جشن بی‌تفکر تقلیل ندهید

روز دانشجو در تقویم هر سال باید روزی برای توجه کردن به دانشجو باشد، اما این گرامیداشت ضروری در جامعه به روزی برای جشن و هدایای مادی و تبریک‌های فضای مجازی تقلیل یافته است. بعضی دانشگاه‌ها یا خانواده‌ها که بخواهند کمی اندیشه‌ورزانه به ماجرا نگاه کنند، نهایت در کنار خرید هدیه و توزیع شیرینی یک جشنواره پژوهشی یا علمی نیز برگزار می‌کنند که خوب است، اما از کاستی‌های ریشه‌دار اندیشه‌ورزی درباره دانشجو و چرایی دانشجوی شدن نمی‌کاهد و ترمیم‌کنندگی ندارد. این تقلیل‌دهندگی روندی بلندمدت است که به‌مرور اصل اندیشه‌ورزی برای بهبود بخشی به وضع دانشجو و دانشجویی را به حاشیه برده و مفهوم دانشجو و چرایی ایجاد دانشگاه و به تبع آن شکل‌گیری نقش دانشجو را در غبار و برخاسته از همه‌جشن‌ها و سطحی‌انگاری‌های اجتماعی گم کرده است. این در حالی است که روز دانشجو همه رسانه‌ها و دانشگاه‌ها و خانواده‌ها باید به این امر مهم بپردازند که چرا افرادی در یک جامعه دانشجوی بودن را انتخاب می‌کنند و آیا چرایی دانشجوی شدن با دلیل اصلی ایجاد دانشگاه‌ها تناسب دارد یا نه.

دانشجویی نیاز ضرور زندگی در عصر کنونی است

تاریخ دانشگاه‌ها می‌گوید دانشگاه

جدی مدیریتی و سیاست‌گذاری در هماهنگ کردن میزان رفاه اجتماعی متناسب با منزلت افراد وجود دارد و بحران‌های اقتصادی نیز بر دشواری شرایط دامن می‌زند، نمی‌شود از کوتاهی نهادهای آموزشی در تنظیم آموزش‌های لازم به دانشجویان به این سادگی‌ها گذشت. همان‌طور که روز دانشجو به جای اندیشه‌ورزی و حل مشکلات آموزش در دانشگاه و ایجاد شرایط متناسب با منزلت دانشجویی به برگزاری مراسم‌های مادی تنزل یافته است، در مفاد آموزشی نیز تقلیل یافتگی‌های جدی مشهود است. مثلاً آموزش مهارت‌های زندگی به ارائه چند واحد بسیار مختصر با عناوینی مانند تنظیم خانواده و مانند آن تقلیل یافته است که آن هم به عنوان

دروس عمومی و پیش‌پا افتاده ارائه می‌شود. در کنار چگونگی‌مهندس شدن، چگونگی‌پزشک شدن و چگونگی‌معلم شدن، چگونگی زندگی سالم داشتن و چگونگی مهارت‌های اجتماعی را در زندگی روزمره به کار بستن آموزش داده نمی‌شود. جای خالی آموزش مهارت‌های برقراری ارتباط مؤثر، مهارت‌های تعامل سازنده با جنس مقابل، مهارت‌های همسرداری و تقسیم وظایف نقش زن و مرد متناسب با نیاز زندگی در دنیای پیچیده امروز در واحدهای درسی دانشگاهی خالی است. دانشجویان فنی‌مهندسی و پزشکی مباحثی درباره شناخت‌شناسی و خودشناسی فردی و اجتماعی نمی‌خوانند و دانشجویان گروه علوم انسانی مباحثی درباره چگونگی کارآمد و کاربردی کردن آنچه را که در کتاب‌های می‌گیرند، نمی‌خوانند. اگر این دانشجویان پس از ورود به زندگی اجتماعی به دلیل مشاهده روزافزون آمار طلاق از ازدواج گریزان هستند یا با وجود همه مشکلات اقتصادی و کاستی‌های خودشناسی و جامعه‌شناسی ازدواج می‌کنند و سپس به دلیل نبود مهارت همسان‌سازی و تعامل و تاب‌آوری در بحران، طلاق می‌گیرند، به تحصیلات زنان یا آگاه شدن آنان یا ساخت‌گیری‌های زنانه در مسیر ازدواج ارتباطی ندارد، بلکه به این مربوط است که آنان فرانگرفته‌اند دانششان را با زندگی روزمره گره بزنند و نمی‌دانند مهارت زندگی روزمره مانند دانش مهندسی و زمین‌شناسی آموختنی است. حتی اگر تصور کنید که به این مهم آگاه شوند،

و تحصیل در ابتدا امری مردانه بوده است، اما سیاست‌گذاران عمومی به‌مرور آموخته‌اند که جامعه از ۲ جنس زن و مرد تشکیل شده است و حذف زنان از آموزش و دانش به معنی حذف پرورش اصولی از نسل‌فرزندانی است که این زنان می‌پرورانند. درواقع مادر اندیشه‌ورز برای بقای سلامت جامعه ضروری است، چه اینکه درهای دانشگاه روی زنان نیز به‌سختی و دیرتر از مردان، اما براساس نیاز جامعه گشوده شد تا این قسمت ماجرا با همه دشواری‌ها مفید و کارآمد شود. اما چرا به‌مرور دانش‌اندوزی و دانشجویی در جامعه ما در مسیر کاسته شدن از ارزش اجتماعی تحصیل و دانش قرار گرفت؟ آیا نفس دانشگاه رفتن یا دانشجوی شدن است که مشکل‌ساز است؟ خیر. علل بسیاری وجود دارد که از حوصله نوشتار حاضر خارج است.

نقص در کیفیت آموزش، به جنسیت زنانه ارتباطی ندارد

در اینجا صرفاً به اساسی‌ترین معضل حوزه تحصیل زنان می‌پردازم. یکی از مشکلات عمده‌ای که امروزه در حوزه خانواده با آن روبه‌رو هستیم، افزایش میزان طلاق میان زوج‌های تحصیل‌کرده است؛ اما آیا این صرفاً به تحصیلات زنان و به قول برخی سیاست‌گذاران به متوقع شدن زنان مربوط می‌شود که ناشی از آگاهی آنان از حقوق اجتماعی‌شان است یا به کیفیت سطح آموزش در مدرسه و دانشگاه نیز ربط دارد؟ جدا از اینکه نقص‌های

سال‌های جوانی‌شان که در دانشگاه گذشته است، چه اندازه با مباحث مهارت‌های زندگی به صورت کاربردی مانند شناخت‌شناسی و توسعه فردی یا جامعه‌شناسی و ارتباطات به صورت اندیشه‌ورزانه درگیر بوده است؟! واحد میانی جامعه‌شناسی و روان‌شناسی چگونه می‌تواند مهارت زندگی را همسان و همگام با مهارت تخصصی شغلی پرورش دهد؟! افزایش میزان طلاق در میان زنان تحصیل‌کرده نه به دلیل تحصیلات و دانشگاه رفتن، بلکه به دلیل بی‌کیفیتی دروس دانشگاهی و متناسب نبودن برنامه‌های درسی دانشگاه‌ها با زندگی در عصر ارتباطات است.

همیشه کشف راهکار، کارآمدتر از متهم‌سازی سطحی است

اگر جامعه با سیاست‌گذاری‌های متناسب با نیاز زنان در زندگی اجتماعی دنیای پیچیده امروز، برای انسان تسهیلات و حقوق اجتماعی و انسانی در نظر بگیرد و دانشگاه‌ها با افزایش سطح کیفی برنامه‌های درسی در کنار تخصص شغلی، سال‌های تحصیل را به امری کارآمد برای زندگی روزمره ارتقا دهند، دیگر نیازی به متهم‌یافتن و نقد دانشگاه رفتن زنان نیست. این کسب دانش نیست که مخاطره‌آمیز است، بلکه نا کارآمدی سیاست‌گذاری‌ها در برنامه درسی است که کفه‌های ترازوی تخصص شغلی و دانش زندگی را همسان نکرده است. برای گرامیداشت روز دانشجو باید به افزایش کیفیت و کاربردی کردن فضای آموزشی دانشگاه‌ها توجه کرد، زیرا کاستی‌های جدی در حوزه تشخیص و ارائه دروس، هردو جنسیت زنانه و مردانه را بدون مهارت‌های لازم برای زندگی اجتماعی پرورش داده است. استادان و متخصصان رشته‌های متعددی که در حوزه شغلی‌شان سرآمدند، اما در زندگی خانوادگی با چالش‌های جدی روبه‌رو هستند و ناتوان از حل مسئله، از جمله مستندات بررسی حاضر است. تحصیلات به‌ویژه برای دختران که قرار است مادران این جامعه باشند، از ضروریات است. دنیای امروز و فرزند امروز مادر کم‌سواد و بی‌دانش را بر نمی‌تابد. کیفیت آموزش در دانشگاه‌ها باید منطقی و همسان‌سازی شده با نیاز امروز باشد.